

## تاریخچه

از ابتدای تاریخ بشر ، مادران و پدران در اشتیاق آن بوده اند که کودکان آنها به دور از هر گونه عارضه ای و در سلامت کامل متولد شوند و برای اینکار به انواع دعاها و اقدامات طبی دست می زده اند . در غیاب درک علمی، آنها وقوع ناهنجاریهای مادرزادی را به عوامل ماورای طبیعی ، نیروهای اهریمنی و عوامل شیطانی نسبت می داده اند . حتی برخی جوامع معتقد بوده اند که وقوع ناهنجاریهای مادرزادی نشانه خشم خدایان و علامتی مبني بر آن است که آنها بدین وسیله پیام نارضایتی خود را ارسال می دارند .

حتی تا همین اواخر، عقیده بر این بود که جفت بعنوان محل رشد و نمو جنینی از هر گونه آسیب های خارجی در امان است تا اینکه در سال 1941 یک دکتر استرالیایی اولین شواهد مربوط به بروز ناهنجاریهای مادرزادی ناشی از ویروس سرخجه را منتشر نمود . چند سال پس از آن بمباران اتمی هیروشیما در ژاپن نشان داد که عناصر رادیواکتیو نیز می توانند منجر به وقوع ناهنجاریهای مادرزادی شوند .

در ابتدای سال 1959 نیز عوارض مادرزادی شدیدی که در تولد نوزادان متولد شده از مادران حامله ای که در دوره بارداری از داروی تالیدومید (یک داروی مسکن و خواب آوری که کاربرد آن در اوایل حاملگی سبب اختلالات رشد جنین بخصوص اندامها میشود) استفاده کرده بودند شناخته شد و از اینجا نقش داروهای خاصی که در دوره حاملگی مصرف شوند در بروز ناهنجاریهای مادرزادی و ژنتیکی مورد توجه محافل علمی قرار گرفت و مطالعات متعددی در این زمینه صورت پذیرفت تا از وقوع این قبیل عوارض در کودکان و در سنین بالاتر جلوگیری شود .

کشفیات پیشگام علم ژنتیک ، مندل ، نیز به درک ما از وقوع پاره ای دیگر از ناهنجاریهایی که با مکانیزم ژنتیکی از مادر به جنین منتقل می گردند کمک شایانی کرد .